
آتش بس با
شیطان

بسم الله الرحمن الرحیم

آتش بس با شیطان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آتش بس با شیطان

مشخصات کتاب

برگرفته از: سایت بهائی پژوهی

مقدمه

اشاره

از ظهور آیین بهایی به عنوان دینی که ادعای الاهی بودن می نمایـد بیش از دو سده نمی گذرد.این آیین که توسط میرزا حسـینعلی نوری ملقب به بهاء الله در سال ۱۲۸۰ هـ ق و پس از اعلام نسـخ آیین بابیت پایه گذاری گردید، مدعی است که در ادامه ی سلسـله ی انبیاء الاهی قرار گرفته است و خداونـدگار عالم در روزگاران جدیـد این شـریعت بدیع را برای مردمان جهان به ارمغان فرسـتاده است. در این مقـاله دیـدگاه بهـائیت در مورد شـیطان بـا نگـاهی تطبیقی مورد بحث قرار گرفته است: یکی از پیشوایـان آیین بهایی، عبـدالبهاء"عباس افنـدی "ملقب به عبـدالبهاء فرزنـد بهاء الله می باشـد. وی پس از پـدر به پیشوایی جامعه بهاییان رسـید... از وی در تبیین و نشـر آثار بهایی مکتوبات زیادی در دسترس است و یک پژوهشـگر مسلمان بدون بررسی محتوایی آثار او نمی تواند به کنه آموزه های این آیین جدید پی ببرد. آنچه که در مقاله زیر مورد بررسـی قرار می گیرد تنها بخشی از یکی از تعالیم وی است که در کتاب مکتوبات توسط جامعه امری به چاپ رسـیده است. پیش از آن که به بررسـی بخش مورد نظر بپردازیم لازم است چند مقدمه را از نظر بگذرانیم:

شارع ادیان الهی یکتاست

همگی معتقـدان ادیان الهی بر این باورند که خداوندی حکیم شـرایع را فرو فرسـتاده است. هیچ یک از ادیان الاهی به تعدد یا عدم حکمت مصدر شـرایع معتقد نیسـتند. قرآن کریم می فرماید: شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدی إِلَیْهِ مَنْ یُنیبُ [۱] . برای شما آیینی مقرر کرد، از همان گونه که به نوح توصیه کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه کرده‌ایم که دین را بر پای نگه دارید و در آن فرقه فرقه مشوید. تحمل آنچه بدان دعوت می‌کنید بر مشرکان دشوار است. خدا هر که را خواهد برای رسالت خود بر می‌گزیند و هر که را بدو باز گردد به خود راه می‌نماید.

ادیان الهی مصدق یکدیگرند

با توجه به مقدمه اول و با توجه به تاریخ انبیاء روشن می گردد که ادیان الاهی در طول اعصار همواره با تصدیق دیانت پیشین آمده انـد. به کلاـم دیگر پیـامبر جدیـد همواره دیـانت الهی پیش از خود را در دوره زمـانی آن صـحیح، کامل و خالی از هرگونه کژی و نـاراستی دانسـته است.در این زمینه قرآن می فرمایـد: وَ قَفَّیْنـا عَلی آثـارِهِمْ بِعیسَـی ابْنِ مَرْیَمَ مُصَـدِّقاً لِما بَیْنَ یَـدَیْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَ آتَیْناهُ الْإِنْجیلَ فیهِ هُدیً وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَ هُدیً وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقینَ [۲] . و از پی آنها عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصـدیق کننـده توراتی بود که پیش از او فرسـتاده بودیم و انجیـل را که تصـدیق کننـده تورات پیش از او بود به او دادیم که در آن هدایت و روشنایی بود و برای پرهیزگاران هدایت و موعظه‌ای. وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْکِتابِ وَ مُهَیْمِناً

عَلَیْه... [۳] . و این کتاب را به راستی بر تو نازل کردیم تصدیق کننده و حاکم بر کتابهایی است که پیش از آن بوده‌اند...

ادیان الهی نمی توانند در اصول با یکدیگر تناقض داشته باشند

نمی توان تصور کرد که پیامبری از جانب خداوند بیاید و" آموزه های اساسی "پیامبری دیگر که او نیز مبعوث خداوند حکیم است را تکذیب نماید و متناقض آن سخن بگوید. [۴] . لفظ" مصدق "یا همان " تصدیق کننده "که در مقدمه دوم آورده شد، به خوبی ثابت کننده این معناست. با توجه به این سه مقدمه [۵] به بررسی گوشه ای از تعالیم جناب عبدالبهاء می پردازیم. از جناب ایشان در مجموعه مکاتیب چنین نقل شده است که گفته اند: هُواللّه خداوند عالمیان عالم انسانی را جنّت عدن خلق فرموده اگر صلح و سلام و محبّت و وفا چنانکه بایـد و شایـد یابـد جنّت انـدر جنّت گردد و جمیع نعمای الهی فراوان و سرور و طرب بی پایان شود و فضائل عالم انسانی آشکار و عیان و پرتو شـمس حقیقت از هر سو نمایان گردد ملاحظه کنید که حضرت آدم و سائرین در جنّت بودند به مجرّد آنکه در جنّت عدن در میان حضـرت آدم و شیطان نزاعی حاصل گشت جمیع از جنّت خارج شدند تا آنکه نوع انسان عبرت گیرد و آگاه شود که نزاع و جدال سـبب حرمان است حتّی با شیطان لهذا در این عصـر نورانی به موجب تعالیم الهی حتّی با شیطان نزاع و جـدال جائز نه [۶] . ایشـان در این آموزه، اولاًـ در بیـان لزوم وجود صـلح، سـلام و محبت را در میـان عالم انسانی به ماجرای هبوط حضـرت آدم(ع) اشاره می کنند و آن را مایه ی عبرت خوانده، درس آن ماجرا را این می دانند که نزاع و جدال سبب حرمان است، حتی بـا شـیطان. سـپس در بخش دوم فرمـایش خویش این نکته را مطرح می سازنـد که در این عصـر نورانی حتی بـا شـیطان نبایستی نزاع و جـدل نمود. [۷] . در این مقـاله تلاـش می کنیم میزان سازگـاری این دو بخش را به تفکیک، با آموزه های اسـلام از رهگذر آنچه در مقدمه آمد، بسنجیم.

ماجرای آدم

اشاره

در سه جای قرآن کریم به ماجرای حضرت آدم(ع) در بهشت اشاره گردیده است:

سوره بقره آیات ۳۵ و ۳۶

و گفتیم: ای آدم، خود و زنت در بهشت جای گیریـد. و هر چه خواهید، و هر جا که خواهید، از ثمرات آن به خوشـی بخورید. و به این درخت نزدیک مشوید، که به زمره ستمکاران درآیید. (۳۵) پس شیطان آن دو را به خطا واداشت، و از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر، و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد. (۳۶)

سوره اعراف آیات ۱۹ تا ۲۷

ای آدم، تو و همسـرت در بهشت مکـان گیریـد. از هر جـا که خواهید بخوریـد ولی به این درخت نزدیک مشویـد که در شـمار بر خویش سـتم‌کنندگان خواهیـد شـد. پس شـیطان آن دو را وسوسه کرد،... و آن دو را بفریفت و به پستی افکند. چون از آن درخت خوردند... پروردگارشان ندا داد: آیا شـما را از آن درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم که شـیطان به آشکارا دشمن شماست؟.... ای فرزنـدان آدم، شـیطان شـما را نفریبد، هم چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند،.... ما شـیطانها را دوسـتان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

سوره طه آیات ۱۱۷ تا ۱۲۳

گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند، که نگونبخت شوی که تو در بهشت نه گرسنه می‌شوی و نه برهنه می‌مانی. و نه تشنه می‌شوی و نه دچار تابش آفتاب. شیطان وسوسه‌اش کرد و گفت: ای آدم، آیا تو را به درخت جاویدانی و مُلکی زوال ناپذیر راه بنمایم؟از آن درخت خوردند و... بنا بر آنچه آمد، اگر بخواهیم این ماجرا را از زبان قرآن بشنویم و از آن عبرت بگیریم، نقل قرآن این چنین است: خداوند متعال اولاً به حضرت آدم(ع) تذکر میدهد شیطان دشمن وی است. فَقُلْنا یا آدَمُ إِنَّ هذا عَدُوٌّ لَکَ وَ لِزَوْجِکَ اما شیطان با حیله گری و دروغ جناب آدم و حوا را فریب می دهد فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطانُ. سپس خداوند چنین خطاب می کند: ناداهُما رَبُّهُما أَلَمْ أَنْهَکُما عَنْ تِلْکُمَا الشَّجَرَةِ وَ أَقُلْ لَکُما إِنَّ الشَّیْطانَ لَکُما عَدُوٌّ مُبینٌ و درپی آن، ذکر هبوط آدم به زمین می شود. سپس خود خداوند خطاب به فرزندان آدم می کند و آنان را از شیطان تحذیر می کند یا بَنی آدَمَ لا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطانُ این درسنامه ای است که قرآن در آن ماجرا برای فرزندان آدم تدریس می نماید. واقعیت این است که در کلام قرآن، سبب این حرمان، نزاع و جدال جناب آدم با شیطان نیست بلکه به عکس، پذیرش سخن اوست که مایه ی آن شده است. لذا خداوند بعد از این اتفاق، یادآوری می کند که"مگر من نگفته بودم که او دشمن آشکار شماست "؟روشن است که گزارش و درسنامه جناب عبدالبهاء به هیچ روی قابل جمع با گفتار قرآن نیست.

دشمنی با شیطان

اما در مورد بخش دوم سخن ایشان که در این عصر جدید دشمنی را حتی با شیطان جایز ندانسته اند، مناسب است ابتدا نگاهی به محتوای آموزه های اسلام در این مورد بیاندازیم. در قرآن مکرراً خطابهای گوناگونی را می یابیم که گروه های مختلف جامعه بشری را در مورد دشمنی شیطان و لزوم پرهیز از او خبر می دهد: ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید، و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست. [۸] . ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و گامهای شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. [۹] . و [نیز] از دامها، حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم دهنده را [پدید آورد]. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است. [۱۰] . [یعقوب] گفت: «ای پسرک من، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است. [۱۱] . و داخل شهر شد بی‌آنکه مردمش متوجّه باشند. پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت: یکی، از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود]. آن کس که از پیروانش بود، بر ضدّ کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست. پس موسی مشتی بدو زد و او را کشت. گفت: «این کار شیطان است، چرا که او دشمنی گمراه کننده [و] آشکار است.» [۱۲] . و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از تو [هم] فرستادگانی تکذیب شدند. و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود.ای مردم، همانا وعده ی خدا حقّ است. زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد، و زنهار تا [شیطانِ] فریبنده شما را در باره ی خدا نفریبد.در حقیقت، شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن گیرید. [او] فقط دار و دسته خود را می‌خوانَد تا آنها از یاران آتش باشند.کسانی که کفر ورزیده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. [۱۳] . و در صور دمیده خواهد شد، پس به ناگاه از گورهای خود شتابان به سویِ پروردگار خویش می‌آیند می گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده ی خدای رحمان، و پیامبران راست می گفتند.» [باز هم] یک فریاد است و بس و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند.امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود، جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت.در این روز، اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند.آنها با

همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند. در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد.از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود. و ای گناهکاران، امروز [از بی گناهان] جدا شوید.ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را میرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید این است راه راست! [۱۴] . و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، به ناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند]، و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند یا او؟» آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند، بلکه آنان مردمی جدل پیشه‌اند.[عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منّت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست. و اگر بخواهیم قطعاً به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم.و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زنهار در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید این است راه راست!و مبادا شیطان شما را از راه به در بَرد، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است. و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا درباره ی بعضی از آنچه در آن اختلاف می کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم ببرید.» در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید این است راه راست. [۱۵] . و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید» پس [همه]- جز ابلیس- سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. آیا [با این حال،] او و نسلش را به جای من دوستان خود می گیرید، و حال آنکه آنها دشمن شمایند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. [۱۶] . امیر المومنین (علیه السلام) در تبیین این دشمنی شیطان می فرمایند: پس، از دشمن خدا (شیطان) بترسید، که، مبادا شما را به درد خود گرفتار سازد و با ندایش شما را نگران کند و با لشکریان سواره و پیاده خویش اطرافتان را فرا گیرد، به جان خودم سوگند که تیر شرّش را برای جان شما به چله کمان نهاده و آن را به جانب شما سخت کشیده و از نزدیک شما را هدف قرار داده و گفته است: «قالَ رَبِّ بِما أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ» او، بی‌اندیشه از آینده ی دور غیب گویی کرده، و با پنداری غیر واقع سنگ انداخته است و فرزندان نخوت و برادران عصبیت، و سواران گردنکش و جاهلیت او را تصدیق کردند، تا این که سرکشهای شما از او پیروی کردند، و حرص و طمع او، در شما پا بر جا شد، پس راز نهان آشکار شد و تسلط او بر شما قوت یافت و سپاه خود را به سوی شما نزدیک آورد و لشکریان وی شما را در غارهای ذلت و خواری جا دادند و در گودالهای مرگ انداختند، و با زخمهای سنگین که از نیزه زدن در چشمها و بریدن گلوها و کوبیدن بینی ها و انداختنتان در قتلگاهها، در شما ایجاد کردند پایمالتان ساختند، چرا که اراده داشتند شما را با حلقه‌های مهار قهر و خشم که در بینی می‌نهند به سوی آتشی که برایتان آماده شده است بکشانند. بنابراین شیطان برای زخم زدن در دین شما بزرگتر و به علت آتش افروختن در دنیای شما افروزنده تر از کسانی است که شما آشکارا با آنها دشمنید و بر آنان حمله می کنید، پس شدت خود را علیه او، و سعی و کوششتان را به منظور دفع او به کار برید، به خدا سوگند که او بر اصل و ریشه شما فخر و مباهات کرد و در قدر و منزلت شما نکوهش وارد ساخت، و بر نسب شما ایراد گرفت و سواران خود را برای حمله بر شما گسیل کرد و با پیادگان خود، راه شما را بست. آنان در هر جا شما را شکار کرده و به دام می‌اندازند و سر انگشتانتان را می‌زنند، و با هیچ چاره‌جویی نمی‌توانید سر، باز زنید و با هیچ اراده‌ای نمی‌توانید شرّشان را از خود دفع کنید، در حالی که شما در انبوه بیچارگی و خواری و تنگاتنگ مرگ و جولانگاه بلا و سختی گرفتارید... [۱۷] . بنا بر نمونه هایی که ذکر شد، میتوان به یقین گفت که از آغاز خلقت، خداوند متعال دشمنی شیطان را گوشزد کرده است و از او پرهیز داده است فَقُلْنا يا آدَمُ إِنَّ هذا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِزَوْجِكَ پس از آدم(ع) به فرزندان او نیز این تذکر را داده است، يا بَنِي آدَمَ لا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطانُ این واقعیت در اعصار بعدی نیز یادآوری می شود: در عهد حضرت موسی(ع) قالَ هذا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ در عهد حضرت یوسف(ع) إِنَّ الشَّيْطانَ لِلْإِنْسانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ در عهد حضرت مسیح(ع) وَ لا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ در دیانت حضرت محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله) يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ لذا در همه ی ادیان الهی این تعلیم قطعی است

که شیطان دشمن بنی آدم است و خدا از او پرهیز داده است. این پرهیز به گونه ای است که در روز قیامت، خداوند متعال به مجرمین عتاب میکند که "مگر من با شما عهد نکرده بودم که شیطان دشمن شماست "؟ و به این گفتار، تاثیر مستقیم بی توجهی به دشمنی شیطان در هلاک و شقاوت مجرمین را نشان میدهد. بنابر این یک مسلمان قائل به تمام شدن این دشمنی نمی تواند باشد و البته که استمرار این دشمنی طبق اعتقادات بهاییان هم نمی تواند متوقف شده باشد و مورد قبول است. در کلمات جناب باب نقل شده است که: یا عباد الرّحمن ادخلوا فی هذا الباب کافّةً ولا تتّبعوا خطوات الشّیطان فانّه یأمرکم بالشّرک والفحشاء وانّه قد کان لکم عدوّا مبینا [۱۸] . و نیز از جناب بهاء الله نقل شده است: طوبی لمن سمع ندآء الرّحمن و اتّخذه لنفسه معیناخ ویل لمن اعرض و کان عن شطر القرب بعیداً. یا قوم اتّقوا اللّه و لا تتّبعوا الّذی کفر بالرّحمن انه کان لکم عدوّا مبیناً [۱۹] . حال با توجه به این تداوم دشمنی، مساله ای که به ذهن متبادر می شود این است که در مقابل این دشمن آشکار بایستی چه کرد؟ دشمنی با او که خداوند از ما خواسته است(فاتخذوه عدوا) چگونه محقق می گردد؟ جواب این پرسش در فهم بهتر آموزه ی جناب عبدالبها بسیار تاثیر گذار است. آنچه در جواب به نظر می آید این است که دشمنی کردن با شیطان همان اطاعت از خداوند متعال است و اطاعت از فرامین خداوند همان دشمنی با شیطان و به جز با تبعیت تام از دستورات خداوند و در مقابل عدم تبعیت از شیطان راه دیگری برای دشمنی کردن با او وجود ندارد. مساله ای که حتی در متون بهایی نیز قابل مشاهده است: قل یا قوم اذکّرکم لوجه اللّه و ما ارید منکم جزآء انّ اجری الّا علی اللّه الّذی فطرنی و بعثنی بالحقّ و جعلنی ذکرا للخلائق اجمعین. ان اسرعوا الی منظر اللّه و مقرّه و لا تتّبعوا الشّیطان فی انفسکم انّه یأمرکم بالبغی و الفحشآء و یمنعکم عن الصّراط الّذی نصب فی العالم بهذا الامر المبرم الحکیم [۲۰] . انّ الّذین ضیّعوا الامر و توجّهوا الی الشّیطان اولئک لعنهم کلّ الاشیاء و اولئک اصحاب السّعیر [۲۱] . کن مستقیماً علی حبّ اللّه علی شأن لایمنعک نعاق کلّ شیطان رجیم. انّه یلهم اولیآئه کما الهم فی القرون الاولی تجنّب عنه و توکّل علی الغفور الکریم [۲۲] . در انتها سوالی که بایستی پرسید این است که بر اساس این آموزه ی نوین چگونه با این دشمن آشکار می توان نزاع [۲۳] و دشمنی نکرد و در عین حال از دستورات خدا پیروی کرد؟ قضاوت با خوانندگان... خلاصه کلام اینکه: از ماجرای هبوط حضرت آدم، اگر نتیجه نگیریم که ترک جدال با شیطان سبب حرمان شد، دست کم می توان نتیجه گرفت که جدال با شیطان سبب حرمان نبوده است. در مورد تعلیم جدید دیانت بدیع نیز بایستی اذعان داشت، آموزه ترک نزاع و جدال با شیطانی که همه ی انبیاء از خطر او پرهیز داده اند، نه با آموزه ادیان الهی به راحتی قابل جمع است و نه با متون بهایی.

پاورقی

[۱] قرآن کریم، شوری۱۳.

[۲] قرآن کریم، مائده۴۶.

[۳] قرآن کریم،مائده۴۸.

[۴] تذکر به این نکته لازم است که این سخن را نبایستی با نسخ شریعت متاخر و آیین عبادت پیشین خلط کرد. در هنگام وضع شیوه عبادت در آیین جدید، اصول اعتقادی دیانت پیشین، وقایع تاریخی، آموزه های فطری و مسائل ثابتی از این دست، تغییری نمی یابند و تنها شیوه عبادت خدا تغییر می یابد.

[۵] این سه مقدمه، مورد تصدیق بهاییان نیز می باشد، شوقی افندی در صفحه ی ۳۲ کتاب دور بهایی می نویسد ":تعالیم این ظهور به قدر رأس شعره‌ای از حقایق مودوعه درشرایع قبل انحراف نداشته و عظمت این ظهور به قدر خردلی از نفوذ و روح ایمانی که آن ادیان به وجود آورده‌اند نمی کاهد. آئین بهائی... منظور حقیقی و مقصد اصلیش آن است که اساس این ادیان را اتّساع بخشیده مبادی آنان را احیا کرده مقاصد و اهداف آنان را به یکدیگر مرتبط ساخته حیات آنان را نشئه‌ای بدیع بخشیده وحدت آنان را ثابت

و محقّق داشته پاکی و صفای اوّلیّه ی آنانرا تجدید کرده وظائف آنان را به یکدیگر مرتبط ساخته و آنان را در تحقّق اعظم نوایای خود کمک و مساعدت نماید ".همچنین دکتر اسلمنت در کتاب بهاء الله و عصر جدید ص ۹۱ از عبدالبهاء نقل می کند": اگر ما درباره ی ادیان تحقیق کنیم تا مبادی مکنونه در اصول اساسی آنها را کشف نمائیم ملتفت خواهیم شد که همه توافق دارند زیرا حقایق اصلیّه ی آنها یکی است و متعدّد نیست ".یا در صفحه ۱۳۹ می نویسد": حضرت بهاء الله...از پیروان هر یک از ادیان دعوت می فرمایند نه تنها الهام الهی را نسبت به پیغمبر خود انکار نکنند بلکه آن را در مورد همه ی پیغمبران تصدیق نمایند و اذعان کنند که تعالیم همه ی آنها از جهت اصول با هم موافق بوده."...

[۶] افندی، عباس: مکاتیب عبدالبهاء جلد ۴، ص ۱۵۰.

[۷] کلیت این آموزه در دیانت بهایی، یکی از دوازده تعلیم اساسی به شمار می رود که از آن تحت نام" وحدت عالم انسانی "یاد می شود پژوهش بیشتر درمورد ابعاد این تعلیم مجالی دیگر می طلبد.

[۸] بقره (۱۶۸).

[۹] بقره (۲۰۸).]

[۱۰] انعام (۱۴۲).

[۱۱] یوسف (۵).

[۱۲] قصص (۱۵).

[۱۳] فاطر ۴-۷.

[۱۴] یس ۵۱-۶۱.

[۱۵] زخرف ۵۷- ۶۴.

[۱۶] کهف(۵۰).

[۱۷] سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲(معروف به خطبه قاصعه).

[۱۸] شیرازی، علی محمد؛ منتخب آیات ص ۳۸.

[۱۹] نوری،میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص۲۷۸.

[۲۰] نوری، میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص۲۳.

[۲۱] نوری،میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۱ ص ۸۰.

[۲۲] نوری،میرزا حسینعلی؛ آثار قلم اعلی ج ۲ ش ۴۶.

[۲۳] کلمه ی" نزاع "در لغت دقیقاً به معنای دشمنی و خصومت آمده است(فرهنگ لغت المنجد).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹